

شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان

عباس سرافرازی / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد / Ab.darafrazi@um.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۲۴

چکیده

سکه‌ها، از جمله مهم‌ترین نشانه‌های حکومت‌ها محسوب می‌شوند و هر شعار و نشانه‌ای که روی آن‌ها نقر می‌شود، بیان‌گر گرایش‌های صاحبان آن‌هاست. برخی از حکومت‌هایی که در نواحی شیعه‌نشین یا از سوی خاندان‌های هوادار ائمه اطهار علیهم‌السلام به وجود آمدند، شعارهای شیعی را بر سکه‌های خود می‌آوردند. از دوره ارغون، با توجه به اختلافاتی که وی با سنی‌مذهبان پیدا کرد و با عنایت به افزایش قدرت شیعیان پس از سقوط بغداد، وی شعار «علی ولی‌الله» را بر سکه‌های خود آورد. پس از آن در دوره‌های بعد، شعائر شیعی رواج بیشتری یافت و نام ائمه از دوره غازان‌خان بر سکه‌ها نقر شد. از دوره محمد خدابنده، دو نوع سکه شیعی و سنی ضرب گردید که این روند تا روی کار آمدن صفویان ادامه یافت. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا پیش از تشکیل حکومت‌های شیعی، شعائر شیعه بر سکه‌ها نقر گردیده یا خیر؟ علت ذکر شعائر شیعی چه بوده است؟ نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که قبل از رسمیت یافتن حکومت صفوی در ایران، سکه‌های بسیاری با نشانه‌های شیعی در دوره‌های مختلف تاریخی توسط حاکمان و حکومت‌های مختلف با انگیزه‌های خاص سیاسی، اجتماعی و مذهبی حک شده است. بنابراین، پژوهش حاضر محدوده زمانی پیش از تشکیل دولت صفوی را دربرمی‌گیرد. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی و مبتنی بر منابع تاریخی و کتابخانه‌ای و استفاده از مطالعات سکه‌شناسی است.

کلیدواژه‌ها: سکه، اسلام، شعارهای شیعی، شیعیان.

مقدمه

بعد از پیدایش اسلام، ضرب سکه‌های کشورهای که اسلام را پذیرفتند، به روشنی دستخوش دگرگونی ناشی از تحولات دینی شد. اولین سکه‌های اسلامی، به تقلید از سکه‌های ایران بوده که فرمان‌روایان عرب آن را تقلید کردند. این سکه‌ها، به همان شکل زمان ساسانیان ضرب می‌شده است و حتی اولین سکه‌های اسلامی، تصویر پادشاهان ساسانی را دارد و شعارهای اسلامی در مراحل بعدی بر آن‌ها نقش بست. این سکه‌ها، سکه‌های عرب ساسانی نامیده شده‌اند. از آن‌جا که تصویر در اسلام تحریم شده است، کم‌کم تصاویر از روی سکه حذف شد که این رسم تا دوره سلاجقه روم و پادشاهی کیخسرو ادامه یافت و سکه‌ها تا این زمان، به صورت خطی و بدون تصویر رواج داشت. در دوره سلاجقه روم، مجدداً تصاویر بر سکه‌ها نقر گردید.

سکه‌ها نمودار فرهنگ و زبان، خط و وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مردم هر ناحیه هستند و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار تاریخ‌نگاران و پژوهش‌گران قرار می‌دهند که به کشف برخی مطالب مبهم تاریخ کمک می‌نماید. یکی از سؤالات مهم، چگونگی رشد و گسترش تشیع در ایران است که تاریخ‌نویسان به علت این‌که در خدمت حاکمان بودند یا گرایش‌های مذهبی داشتند، اشاره دقیق و مبسوطی به این امر ندارند یا این‌که مطالب آنان را تاریخ‌نویسان و افرادی که پس از آنان زندگی کرده‌اند، دستخوش تغییر قرار داده‌اند. در این زمینه، سکه‌ها بیان‌گر مسائلی هستند که در منابع دیگر موجود نیست. سکه‌ها و شعائر روی آن‌ها طی حیات سیاسی، اجتماعی و مذهبی جوامع و فراز و نشیب حکومت‌ها، دستخوش تغییراتی گردیده‌اند و نشان‌دهنده تحولاتی در جوامع نیز هستند.

بررسی سکه‌ها، نشان‌دهنده تمایلات مذهبی است و حتی نوع شعارهای مذهبی، اسامی افراد و ائمه و خلفا و آیات قرآنی روی سکه‌ها، از گرایش‌ها و مسائل جالب توجهی حکایت می‌کند، انتخاب آیات قرآنی در دوره‌های مختلف با معانی خاص، بر وضعیت خاص زمانی و مکانی ضرب سکه و وضعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی جامعه دلالت دارد.

اولین واژه‌های اسلامی که روی سکه‌ها نقر شده، «بسم الله» و «ربی الله» و سپس «الله احد»، «الله الصمد» و «محمد رسول الله» است.

سکه اسلامی در دوره اموی، نخستین بار در زمان عبدالملک مروان (۶۵-۸۵ ق) ضرب شده که این عمل با کمک فکری امام محمد باقر علیه السلام صورت گرفته است. گویا رومی‌ها شعار «اب، ابن و روح القدس» را بر کالاهای خود می‌نوشتند که عبدالملک این عمل را نپذیرفت و دستور داد عبارت مبارکه «شهد الله انه لا اله الا هو» را بر کالاهای نصب کنند، امپراتور روم تهدید کرد که بر دینارهای رومی که در سرزمین‌های اسلامی رایج است، کلمات ضد اسلامی نقش خواهد کرد. عبدالملک که در موقعیت دشواری قرار گرفته بود، با حضرت امام باقر علیه السلام مشورت کرد و امام پیشنهاد کردند بهتر است سکه‌هایی به طراز اسلامی در سکه‌خانه‌ها ضرب شود که در یک روی آن سوره مبارکه توحید و روی دیگر آن شهادت به حضرت رسالت نقر شود. در ابتدا نام خلفای اموی بر سکه‌ها نیامد، اما در دوره‌های بعد نام «عبدالملک روشنگان» در حاشیه سکه‌ها ضرب گردید. (شاهد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱)

اولین آیه کامل قرآنی بر روی سکه، در دوره عبدالملک نقر شد که عبارت بود از آیه ۳۳ سوره توبه: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (سرافراز، ۱۳۸۵، ۱۵۴). این آیه از آن‌جا که برتری دین اسلام را تبلیغ می‌کرد، مهم نیز بود. معنای آیه چنین است: محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خدا، برای هدایت فرستاده شده که دین حق را بر همه ادیان ظاهر سازد، هر چند برای کافران ناخوشایند است.

تشیع و سکه

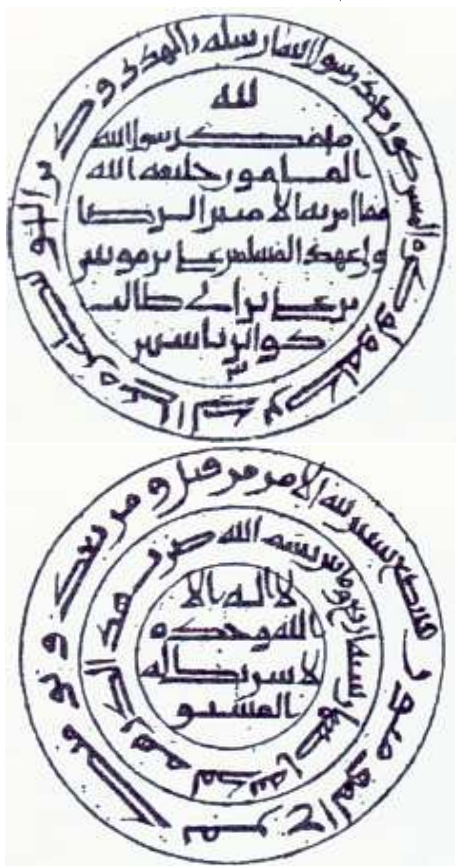
در این‌که اولین نشانه‌های شیعی بر کدام سکه‌ها و در کجا بوده، اتفاق نظر وجود ندارد. روایت تأیید نشده‌ای بیان می‌دارد: اولین سکه‌ای که در آن گرایش شیعی وجود دارد، متعلق به دوره حضرت علی علیه السلام است که در سال ۳۷ هجری ضرب شده و نقش «ولی الله» بر آن

نقر گردیده است. سایت لبنانی بنت جمیل آکادمی ماجیستر، از کشف سکه‌ای خبر داده که نخستین درهم اسلامی است. این سکه به دستور امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فاصله سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری ضرب گردیده است. محمد فوزی عبدالطیف اللثام، رئیس آثار کشف‌شده در بندر «رفح» فلسطین، این سکه را معرفی کرده است. روی این سکه سوره اخلاص و در پایین آن آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أُرْسِلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» درج شده است. بر پشت سکه «لا اله الا الله / بسم الله» آمده و در بصره ضرب شده است. گرچه این ادعا جدید است، آقای هنری لایوکس (H.Lavoix) در کتاب خود که در سال ۱۸۸۷ میلادی به چاپ رسیده، سکه‌ای متعلق به حضرت علی علیه السلام را معرفی کرده که در سال ۴۰ هجری در بصره ضرب شده است (Lavoix, 1887, P. 158). این دو سکه، تاریخ ضرب سکه اسلامی را ۳۷ سال به عقب‌تر می‌برد؛ چون قبلاً قدیمی‌ترین سکه اسلامی را متعلق به عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ق / ۶۸۵-۷۰۵ م) و حک شده در سال ۷۷ هجری می‌دانستند. هم‌چنین، اولین آیه نقرشده روی آن‌ها آیه ۳۳ سوره توبه است. برخی از منابع، ضرب اولین سکه‌ها را به دوره خلیفه دوم و سوم منسوب می‌نمایند که نمونه‌هایی به دست نیامده است. بنابراین، سکه امام علی علیه السلام قدیمی‌ترین سکه موجود است که هنری لایوکس معرفی کرده است. در برخی از منابع، از یک سکه علوی ضرب‌شده در سال ۳۷ هجری نام برده شده که عبارت «ولی الله» بر آن نقش بسته، ولی نشانی از آن وجود ندارد. اما این‌که چرا سکه‌های عبدالملک مروان را اولین دانسته‌اند، به دلیل آن است که وی تمامی سکه‌های پیشین را منسوخ کرد و سکه‌های یکسان در سرزمین‌های اسلامی رواج داد.

در بین خلفای راشدین، اولین فردی که نامش در سکه ذکر شده حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است که به زمان مأمون برمی‌گردد. «اولین سکه اسلامی که نام دو نفر از امامان شیعه بر آن‌ها نقش بسته، سکه‌های مشهور به سکه امام رضا علیه السلام است، در روی سکه در دایره وسط آمده: الله / محمد رسول الله / المأمون خلیفة الله / مما امر به الامیر الرضا / ولی عهد المسلمین علی بن موسی / بن علی بن ابی طالب / ذو الریاستین؛ در حاشیه

روی سکه: ﴿محمد رسول الله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون﴾؛ در پشت سکه در دایره وسط در چهار سطر: لا اله الا / الله وحده / لا شريك له / المشرق و در پشت سکه، دو دایره است که در دایره حاشیه کوچک‌تر، بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدينة اصفهان سنة اربع و مائتين و در دایره بزرگ‌تر (حاشیه خارجی) ﴿لله الامر من قبل و من بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله﴾ آمده است. ضرب سکه‌های امام رضا علیه السلام در سال‌های ۲۰۲ قمری در مرو، ۲۰۳، در نیشابور، سمرقند و اصفهان و در سال ۲۰۴ قمری در اصفهان صورت پذیرفته است که از اهمیت نقش امام رضا علیه السلام در رویدادهای آن زمان حکایت می‌کند. (سرافراز، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴)

سکه امام رضا علیه السلام محل ضرب اصفهان



اولین سکه‌ای که تاکنون به دست آمده و در آن یکی از شعارهای شیعی وجود دارد، سکه‌ای متعلق به وهسودان بن محمد از خاندان مسافریان (کنکریان) است که در سال ۳۰۷ هجری می‌زیست. آنان در آغاز قرن چهارم، در تارم بنیاد فرمان‌روایی گذارده سپس آذربایجان، اران، ارمنستان، زنجان، ابهر، سهرورد و قسمتی از دیلمستان را نیز به تصرف خود درآوردند (بهرامی، ۱۳۵۶، ص ۴۵۱). بر سکه وهسودان، عبارت «علی خلیفه‌الله» نقش بسته است.

معروف‌ترین و انقلابی‌ترین شعارهای شیعی یعنی عبارت «علی ولی‌الله»، بر سکه‌ای نقش بسته که از باوندیان مازندران است و رستم بن شروین (۳۳۰-۳۳۷ق) آن را ضرب کرده است. این سکه درهم و محل ضرب آن شهر فریم مازندران است. تاریخ ضرب سکه ۳۵۴ هجری و وزن آن چهارگرم است. پشت سکه عبارت: لله / محمد رسول‌الله / علی ولی‌الله / رستم بن شروین نقر شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹، ص ۳۱). وی بر سکه‌های خود همواره سیادت آل‌بویه را تصدیق کرده و نوشته‌های روی آن به حمایت وی از تشیع اشاره می‌کند. (فرای، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸)

سکه‌هایی از اسماعیلیان الموت باقی مانده که از تمایلات شیعی آنان حکایت می‌کند اما یک سکه از محمد بن حسن (حسن سوم) که از سال ۶۲۸ هـ / ۱۲۲۱م تا ۶۵۳ هـ / ۱۲۲۵ میلادی داعی اسماعیلیان بود، به دست آمده که اهمیت بسیاری دارد. وی در نزد تاریخ‌نگاران به جلال‌الدین حسن نو مسلمان مشهور است. او به علت بازگشت مجدد به مذهب اهل سنت به این لقب شهرت یافت. «وی انزوا و جدایی را دوست نداشت و آموزه قیامت را نمی‌پسندید؛ لذا به شماری از اتباع خود عنوان نمود که از اسماعیلیه برگشته و قصد دارد به اسلام سنی بازگردد.» (وی به عنوان امیری سنی قلمداد شده است. گویند مادر حسن نیز سنی بوده است. وی توانست پیروان را متقاعد سازد که شریعت سنی را بپذیرد و خود نیز به احتمال قریب به یقین در قبول مذهب سنت صداقت داشت» (بویل، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲). با وجود تمامی مطالبی که درباره سنی شدن وی گفته‌اند، سکه‌ای از او پیدا شده که

سه سال قبل از فوت وی در سال ۶۵۰ هجری ضرب شده است و از شیعه بودن وی حکایت می‌کند. عجیب‌تر آن‌که شعار «علی ولی‌الله» بر آن نقش بسته است. روی این سکه آمده: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی‌الله، و پشت سکه: السلطان الاعظم علاء الدنيا و الدین محمد بن حسن، محل ضرب کرسی دیلم آمده است. بنابراین پیدا شدن این سکه تمایل وی به اهل سنت را با تردید مواجه می‌سازد.

شعائر شیعی بر سکه‌های مغول و ایلخانی

تحول مهمی در ضرب سکه‌ها، در ابتدای دوره مغول اتفاق نیفتاد. سکه‌های پس از چنگیز تا روی کار آمدن هلاکو در ایران از نظر شعائر اسلامی با اندک تفاوت تقریباً مانند هم است. بر سکه‌های اوکتای و قوبیلای قآن شعار لا اله الا الله / محمد رسول الله وجود دارد؛ اما از دوره هلاکو خان، شعارهای اسلامی بیشتر روی سکه‌ها دیده می‌شود؛ از جمله: الملک / لا اله الا الله / محمد رسول الله / صلی علیه و سلم (طباطبایی، ۱۳۴۷، ص ۱ و ۲). در ابتدای دوره ایلخانان، چون جنگ مذاهب وجود داشت، شعارهای روی سکه‌ها و علایم نقر شده متفاوت گردید. «از دوره هلاکو خان آیه ۲۶ سوره آل عمران ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ...﴾ بر سکه‌ها نقر شد که اباقاخان و احمد تکودار نیز آن را ذکر کردند» (طباطبایی، سال نهم، ص ۱۸۲). نقر این آیه، حاکی از دگرگونی در نظام حاکمیت است که دیگر حکومت از جانب خلفا اعطا نمی‌گردد، بلکه خداوند آن را به هرکس که می‌خواهد واگذار می‌کند؛ اوست که عزت می‌دهد و ذلیل می‌گرداند. «در دوره اباقاخان، بر روی برخی سکه‌ها، ستاره‌ای وجود دارد که اشپولر معتقد است ستاره داوود است» (اشپولر، ۱۳۶۸، ص ۲۹۴). این امر نشان می‌دهد که مسیحیان و یهودیان نیز در این دوران دارای قدرت و نفوذ بوده‌اند. علامت صلیب و شعارهای مسیحی، حتی بر برخی از سکه‌های دوره اباقاخان وجود دارد. (طباطبایی، سال نهم، ص ۱۸۱)

یک شعار بسیار مهم از دوره احمد تکودار (۶۸۰ هـ / ۱۲۸۱ م / ۶۸۳ هـ / ۱۲۸۴ م) که اولین ایلخان مسلمان بود، روی سکه‌ها نقر شد و آن ذکر نام خلفای راشدین است که تا آن زمان بر سکه هیچ پادشاه و حتی خلیفه‌ای نقش نبسته بود. دوره کوتاه احمد تکودار، به مبارزه با ارغون فرزند ابا قا خان و مدعی سلطنت گذشت و عاقبت تکودار مسلمان توسط ارغونیان کشته شد. قتل وی از جهاتی اهمیت داشت: اولاً وی حکمرانی مغول بود که کشته شد. ثانیاً وی مسلمان شده بود. بنابراین کشمکش و درگیری بین هواداران ارغون از یک طرف و مسلمانان و گروهی از مغولان از طرف دیگر به وجود آمد با این‌که دوره ارغون دوره قدرت‌گیری مجدد یهودیان و مسیحیان بود و وی تحت تأثیر آنان قرار داشت، عاقبت وی مجبور شد تمایل خود را به مسلمانان نشان دهد. در دوره ارغون، دو شعار مهم بر روی سکه‌های وی نمودار شد:

۱. نقر شدن مجدد آیه ۲۵ سوره آل عمران: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ «پروردگارا پادشاهی از آن توست؛ به هر کس بخواهی می‌دهی و از هر کس بخواهی می‌گیری و هر کس را بخواهی عزیز می‌کنی...».

بر اساس این آیه، حق دادن و پس گرفتن فرمانروایی بدون وابستگی به حقوق میراثی و اراده انسانی، از آن خداوند است و بس. اما «چون پیامد پیکار مسلحانه نیز نمودار اراده خداوندی به شمار می‌رفت، پندار اراده خداوندی همچون یگانه سرچشمه قدرت در عمل اغلب به پذیرفتن حق «زور» می‌انجامد. بدانسان که لقب «جانشین پروردگار و پیامبر» یعنی خلیفه، بسیار طبیعی به فرمانروایی منتقل می‌شد که حکومت خود را بی‌میانجی از پروردگار گرفته بود» (بارتولد، ۱۳۵۸، ص ۴۲). این آیه، توجیه‌کننده تغییرات حکومت و قدرت یافتن مغولان و سقوط عباسیان است. با سقوط خلافت عباسی، اسم خلیفه هم از سکه‌ها حذف شد. ارغون در پایان حکومت خود، وقتی با این سؤال مواجه شد که آیا وی ایلخانی بر حق است یا خیر، می‌خواست عنوان کند که قدرت را خداوند به هر کس بخواهد می‌دهد و هر زمان که بخواهد باز پس می‌گیرد و با طرح این مسأله، و این آیه، چندین ادعا

را برطرف می‌کرد: یکی ادعای خلافت و خلالی که پس از فروپاشی خلافت بنی‌عباس به وجود آمده بود؛ دوم، ادعای برحق بودن ارغون؛ چون وی یک پادشاه مغول و مسلمان را از بین برده و از این جهت متهم بود، با این آیه، حوادث به وجود آمده نتیجه اراده خداوندی محسوب می‌شد.

۲. شعار مهم دیگری که روی سکه‌های ارغون نمودار شد، «علی ولی‌الله» است. از این جهت ارغون، حتی بر غازان خان و سلطان محمد خدابنده که پس از وی روی کار آمدند و به‌ویژه خدابنده که رسماً مذهب تشیع را قبول کرد برتری دارد. این از شعائر مهم انقلابی و کلیدی شیعیان محسوب می‌شد؛ چون این عبارت، مقام حضرت علی علیه السلام را تا جانشینی خداوند بالا می‌برد و حاکی از آن است که ولایت و امامت علی علیه السلام از جانب خداوند است. عمل ارغون نشان‌دهنده دو مسأله بود:

الف) ارغون چون گرایش‌های غیراسلامی داشت و مورد تعرض مسلمانان قرار می‌گرفت و حتی مسلمانان سعدالدوله یهودی وزیر وی را کشتند، می‌خواست با توجه کردن به شیعیان، آنان را در مقابل اهل سنت قرار دهد.

ب) نقر این شعار روی سکه، نشان می‌دهد که شیعیان در دوره ارغون، بسیار فعال و در حال ازدیاد بوده‌اند که وی در صدد برآمده از وجود نیروی پویای شیعه استفاده کند و چاره‌ای نداشته که برای آنان ارزشی قائل شود و مسلم است با توجه به رشد تشیع، زمینه رسمیت یافتن آن در دوره اولجایتو بیشتر گردید.

سکه‌های شیعی از دوره ارغون باقی مانده؛ از جمله: سکه‌ای از جنس نقره و با وزن سه گرم که روی آن به خط اویغوری، ارغون نقر شده و در پشت آن در متن: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی‌الله آمده است و سکه‌ای دیگر با وزن ۳/۵ گرم که روی آن به خط اویغوری آمده: خاقانو ارغون و پشت سکه، لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی‌الله نقر شده است.

پس از دوره ارغون و گیخاتو که عصر بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود، دوره غازان خان فرارسید. دوره غازانی، عصر اصلاحات در زمینه‌های مختلف است. وی از آن‌جا که حکومت ایلخانی را در سرایش زوال و سقوط می‌دید، در صدد بهبود وضعیت برآمد و در کنار تمهیدات نظامی، به امور اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز توجه نمود؛ از جمله اقدامات مهم وی، توجه به تشیع است. «در تمایل او به تشیع و ارادت‌ورزی به خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و احترام فوق‌العاده وی به سادات تردیدی نیست» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۹). خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ مبارک غازانی، از نقش اسامی ائمه دوازده‌گانه بر سکه‌های دوره غازان خبر می‌دهد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸، ص ۱۶۹). از دوره وی، هیچ نوع سکه‌ای وجود ندارد که نام خلفای چارگانه روی آن نقر شده باشد.

مسأله مهم دیگری که در زمینه شعائر شیعی در سکه‌های دوره غازانی اهمیت دارد، نقر شدن نام دوازده امام بر سکه‌های این دوره برای نخستین بار است. علاوه بر آن در دوره غازانی، سکه‌هایی به نام «درست طلا» به وزن یکصد مثقال از جنس طلا زده می‌شد که نام دوازده امام و آیات قرآن و نام سلطان بر آن‌ها وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۵۱، ص ۴۵۶). این سکه‌ها، در زمره سکه‌های رایج مملکتی نبود و ارزش مبادله و پول نداشت، بلکه بیش‌تر تشریفاتی بود که در مراسم و اعیاد به عنوان هدیه و عیدی به افراد و شخصیت‌ها داده می‌شد و به قشنگی و پاکی معروف بودند. نقر نام امامان دوازده‌گانه شیعه بر سکه‌های یادبود، از اهمیت و رونق تشیع در این دوره حکایت دارد (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۵۶). ضرب این سکه حیرت‌انگیز، نشان‌دهنده نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و احتیاج بیش از حد ایلخانان، آن هم یکی از باسوادترین، مصلح‌ترین و بزرگ‌ترین ایلخانان مغول به شیعیان است.

از دوره محمد خدابنده (حک ۷۰۳-۷۱۶ هـ) با توجه به گرایش وی به شیعیان، علمای شیعه بر آن شدند تا بیش‌تر سلطان را به سمت مذهب تشیع مایل کنند و بکوشند تا با ادله کلامی و شواهد دیگر، ایمان وی را محکم سازند؛ از آن جمله علامه جمال‌الدین حسن بن

مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ هـ) و پسرش فخرالمحققین (۶۸۲-۷۷۱ هـ) بودند که هر دو از علمای معروف شیعه‌اند و با جمعی دیگر از پیشوایان به خدمت اولجایتو به سلطانیه شتافتند. علامه حلی که از مشهورترین مصنفان فرقه امامیه اثنا عشریه و از علمای معقول و منقول و از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی بود، به رسم تحفه، دو کتاب در اصول عقاید شیعه نگاشت و به پیشگاه اولجایتو آورد: یکی کتاب *نهج‌الحق و کشف‌الصدق* و دیگری *منهاج‌الکرامه فی باب‌الامامه*. بین علامه حلی و قاضی‌القضات نظام‌الدین مراغه‌ای مناظرات بسیار در اثبات حقانیت مذهب شیعه یا تسنن واقع شد و چون هر دو از بزرگان علمای معقول بودند، هیچ وقت کارمناظره ایشان به تعصب و زشتی نمی‌کشید و از جدال علمی تجاوز نمی‌کرد. قدم اولجایتو به تدریج بر اثر مصاحبت علامه حلی و نقیب مشهد توس و سایر علمای شیعه در قبول این مذهب راسخ‌تر شد و هر قدر اهل تسنن بعدها سعی کردند که او را از این راه برگردانند و نفوذ شیعیان را کم کنند، قادر نیامدند بلکه بر خلاف، مذهب شیعه رونق بسیار یافت (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۷). از دوره اولجایتو، برای از بین بردن اختلاف بین وزراء، مملکت از نظر اداری تقسیم گردید. او در سال ۷۱۵ هجری، تاج‌الدین علیشاه جیلانی (گیلانی) را با خواجه رشیدالدین فضل‌الله در کار وزارت شرکت داد که این عمل را وزارت توأمان نامیده‌اند. تاج‌الدین علیشاه شیعه‌مذهب بود. از این زمان، دو نوع سکه نیز رواج یافت: سکه‌های نوع شیعی و سکه‌های نوع سنی. در سکه‌هایی که گرایش سنی دارد، نام خلفای چارگانه و آیات قرآنی ذکر شده است و در سکه‌های باگرایش شیعی، دو شعار شیعه بیشتر به چشم می‌خورد: یکی عبارت «علی ولی‌الله» و دیگری نام «دوازده امام». در برخی از سکه‌ها نخستین بار صلوات شیعی به صورت مختصر وجود دارد، با این عبارت: «اللهم صلی علی محمد و علی و اله». در برخی سکه‌ها «اللهم صلی علی محمد و علی» نقر شده است. (طباطبایی، ۱۳۴۷، ص ۲۲)

مسأله‌ای که در خصوص نقر شعائر شیعی مهم است، آن که منابع عنوان می‌کنند محمد خدابنده در سال ۷۰۹ هجری تشیع را پذیرفت، اما پس از مدتی به علت مخالفت‌هایی که

اهل سنت انجام دادند، از حرارت اولیه سلطان در طرفداری از تشیع کاسته شد و در اواخر عمر، دوباره دستور داد نام خلفا را در سکه و خطبه داخل کنند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸). این نظر ضعیف است، چون تا سال ۷۱۴ هجری، از وی سکه‌هایی در دست است که شعائر شیعی دارد و جالب این که در این سال، یکی از زیباترین سکه‌های شیعی در تمامی دوران تاریخ تشیع ضرب شده است.

همچنین سکه‌ای پنج درهمی در آمل ضرب شده که آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» (آیه ۲۹ سوره فتح) در آن نقر شده است. در روی دیگر سکه در متن: «لا اله الا الله الملك الحق المبين» و القاب و کنیه پیامبر ﷺ و امامان، «اللهم صلي على محمد المصطفى و على المرتضى و الحسن الزكي و الحسين ...» درج شده است (سرافراز، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰). در این سکه، حضرت علی عليه السلام، امیرالمؤمنین خوانده شده‌اند که در هیچ سکه‌ای قبل از آن دیده نشده است. هم‌چنین کنیه امامان شیعه ذکر شده است، این سکه پرشعارترین و پرمطلب‌ترین سکه شیعی به شمار می‌آید که تاکنون به دست آمده است.



روی و پشت سکه اولجایتو

با این‌که پس از ابوسعید بهادرخان، دوباره ضرب سکه در شکل و طراز اهل تسنن آغاز شد، در بعضی نواحی که شیعیان بیش‌تری زندگی می‌کردند، مانند مازندران و شهر آمل که طرفدار علویان بودند، نام دوازده امام بر سکه‌ها نقش زده می‌شد. در دوره ابوسعید، آیه ۱۳۷ سوره بقره بر روی سکه‌ها نیز ضرب شد: ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ «و در برابر آن‌ها، خداوند تو را به زودی کفایت می‌کند که او شنوا و داناست». ظاهراً این آیه را برای رفع اختلاف اهل شیعه و تسنن آورده که همه را به کفایت خداوند شنوا و دانا حواله می‌دهد.

شعائر شیعی بر سکه‌های پس از دوره ایلخانی

پس از فروپاشی ایلخانان و در دوره جانشینان آن‌ها، رسم دوره سلطان محمد خدابنده مبنی بر ضرب سکه شیعی و سنی ادامه یافت. از بسیاری کسانی که روی کار آمدند، سکه‌های شیعی و سنی هر دو باقی مانده است، از طغاتی‌مورخان که در خراسان و مازندران و استرآباد حکومت می‌کرد و معروفیتی داشت، سکه‌هایی با فرمول شیعی و سنی به دست آمده و «جالب است که با این‌که وی سنی بوده و با سربرداران شیعه‌مذهب جنگ و اختلاف داشت، در سال ۷۴۲ هجری سکه‌ای کاملاً شیعی ضرب کرده است؛ روی سکه: الله / لا اله الا / محمد / رسول الله / علی ولی الله، حاشیه بین دایره میانی و بیرونی کلمات: «اللهم صلی علی محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و الحسن و محمد». پشت سکه: «السلطان العالم طغای تیمورخان خلدالله ملکه، حاشیه پشت سکه در فضای بین شش‌گوش و در دایره بیرونی که به وسیله ستاره‌ها جدا شده است، این واژه‌ها نقر شده است: ضرب / فی سنه / اثنین / و اربعین / و سبعمایه» (اسمیت، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳). به احتمال قوی، از آن‌جا که شیعیان در منطقه حاکمیت وی یعنی استرآباد و مازندران، حضور چشم‌گیری داشتند و برای این‌که از مخالفت مردم و گرایش آنان به سربرداران بکاهد، شعائر شیعی را بر سکه‌های خود نقر نموده است.

سربداران که در دوران ضعف و فروپاشی حکومت ایلخانان قدرت گرفتند، سکه‌هایی با شعارهای شیعی ضرب کردند، یکی از شیعی‌ترین و پرشعارترین سکه‌های سربداری، سکه‌ای درشت و بدون نقش است و بر آن عبارت علی ولی الله / علی الولی / و اسامی دوازده امام با کنیه آنان نقش بسته است. هم‌چنین از امام دوازدهم علاوه بر «محمد الحجّة» با عنوان «خلف الله» یاد شده است. دو آیه بر این سکه ذکر شده است: یکی از سوره آل عمران است: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّلُ مَنْ تَشَاءُ﴾ و... هدف سربداران از آوردن این آیه آن است که نشان دهند این خداوند است که حاکمیت و قدرت را ارزانی می‌دارد، نه صاحبان قدرت که در این زمان بازماندگان ایلخانانی در حال اضمحلال و فروپاشی بودند. این همان آیه‌ای است که روزگاری مغولان، برای از بین بردن مشروعیت خلفای عباسی استفاده نمودند و حال سربداران علیه حاکمیت مغول به کار می‌بردند. دیگری آیه ۱۱۲ سوره توبه است که مؤمنان را به توبه، رکوع، سجود و امر به معروف و نهی از منکر بشارت می‌دهد (اسمیت، همان، ص ۲۵۹): ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ «توبه‌کنندگانند، پرستندگانند، ستاینندگانند، روزه‌دارانند، رکوع‌کنندگانند، سجده‌کنندگانند، امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود خدایند. و مؤمنان را بشارت ده!»

از مسائل مهم در خصوص شعارهای مذهبی بر روی سکه‌ها، آن است که حتی حکومت‌های باگرایش شیعی نیز سکه‌هایی با نشانه‌های سنی ضرب کرده‌اند. از سربداران سکه‌هایی با نام خلفای چارگانه به دست آمده است (سرافراز، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸). سربداران دارای سه نوع سکه شیعی، سنی و سکه‌های با شعارهای شیعی و سنی هردو هستند. سکه‌هایی نیز از امیر ولی برادر و جانشین طغاتی‌مورخان برجای مانده که دامنه تصرفات خود را بر جرجان تا حدود ری گسترش داده بود. (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۸)

شعارهای شیعی و سنی در سکه‌های وی نیز وجود دارد. در سکه‌های نوع شیعی آمده است: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله و در حاشیه روی سکه: «اللهم صلی علی

محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و محمد و علی و الحسن و محمد الحجه» و پشت سکه، مدینه استرآباد / سنه ثمانین و سبعمائه / امیر ولی نقش بسته است. جالب توجه است که بر سکه‌های امیر تیمور گورکانی نیز شعائر شیعی وجود دارد که این امر نشان‌دهنده نفوذ قدرتمند و اجتناب‌ناپذیر شیعیان است که وی نیز مجبور شد با وجود مخالفت‌هایی که با آنان داشت، سر تسلیم در برابرشان فرود آورد. یک سکه از امیر تیمور از جنس نقره به وزن چهار گرم و قطر ۲/۸۵ سانتی‌متر باقی مانده، با این شعارها در وسط روی سکه: ضرب استرآباد / فی سنه ست ثمانین و سبعمایه (۷۸۶ هـ)؛ در پشت سکه، در وسط آن: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله؛ و در حاشیه پشت سکه، نام مبارک دوازده امام شیعیان نقر شده است (طباطبایی، ۱۳۴۷، ص ۵۵). ضرب سکه شیعی در دوره تیمور، نشان می‌دهد که وی یا ارادت به تشیع از سر اخلاص داشته یا در برخی نواحی شیعه‌نشین اجازه ضرب سکه داده و یا این‌که حکمران استرآباد مانند قبل سکه زده و نام تیمور را آورده است. البته با توجه به این‌که حاکم استرآباد در این زمان امیر ولی از طغاتیوریان مغول بود و با تیمور سر جنگ داشت و عاقبت از تیمور شکست خورد و فراری گردید، بعید به نظر می‌رسد این سکه از وی باشد که حکمران محلی استرآباد بوده؛ بنابراین به احتمال زیاد پس از شکست وی، به دستور تیمور ضرب شده است.

آل‌جلایر (۷۳۶-۸۱۷ هـ) از جمله حکومت‌هایی بودند که پس از درگذشت ابوسعید آخرین ایلخان مغولی تا تسلط تیمور، در بغداد و عراق عرب حکومت کردند. آنان از قوم مغول بودند (نبئی، ۱۳۷۵، ص ۳۷). آنان بیش‌تر نام‌های شیعی: حسن، حسین و علی داشتند، به این علت آنان را شیعه دانسته‌اند. سکه‌های شیعی و سنی از حکمرانان این سلسله نیز باقی مانده است. از شیخ حسن بزرگ (۷۳۶-۷۵۷ هـ) سکه‌ای به ضرب آمل وجود دارد؛ روی سکه به خط او یغوری، «السلطان العادل خلدالله ملکه»، حاشیه روی سکه: «ضرب آمل فی سنه اثنا وربعین و سبع مائه» (۷۴۲ هـ) پشت سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله / ضرب ... آمل حاشیه پشت سکه: نام دوازده امام شیعه و صلی علی محمد دیده می‌شود. آنان مانند دوره ایلخانان، نام سه خلیفه را روی سکه‌های خود گرفته و نام حضرت علی علیه السلام را اضافه کرده‌اند. (بیانی، ۱۳۴۵، ص ۲۳۷)

شعائر شیعی بر سکه‌ها پس از تیموریان

پس از تیموریان، تا روی کار آمدن دولت شیعه‌مذهب صفوی، سلسله‌هایی روی کار آمدند که مشهورترین آن‌ها قراقویونلوها (۸۱۰-۸۷۳ هـ) بودند. آنان در آذربایجان حکومت می‌کردند. «آنان از خود علاقه زیادی به تشیع نشان می‌دادند و حتی رهبران این سلسله پا را فراتر گذاشته و وارد مسائل افراطی تشیع گشته‌اند. مثلاً در منابع تاریخی، پیر بوداق یک شخصیت سازش‌ناپذیر شیعی توصیف شده است» (میرجعفری، ۱۳۷۵، ص ۳۲۸). در مسجد کبود تبریز (گوی مسجد) که در زمان جهان‌شاه و به اهتمام همسر وی خاتون جان‌بیگم که زنی صالحه و عفیفه و خیر بود و در سال ۸۷۰ هجری ساخته شد، عبارت «علی ولی الله» و اسامی حسنین علیهما السلام به اشکال مختلف زینت‌بخش دیوارهاست. سکه‌های شیعی و سنی از دوره قراقویونلوها نیز باقی مانده است. در سکه‌ای که نام خلفای چارگانه آمده و متعلق به جهان‌شاه قراقویونلوست (۸۴۱-۸۷۲ هـ)، نام حضرت علی علیه السلام با عنوان «علی ولی الله» ذکر شده است. این سکه از جنس مس است؛ روی سکه در متن آن، فیروزکوه و در حاشیه: «السلطان العادل ابوالمظفر جهان‌شاه خلد الله ملکه...»، و پشت سکه: لا اله الا الله / محمد / رسول الله، و در حاشیه پشت سکه: علی ولی الله / ابوبکر الصدیق عمر الفاروق عثمان ذی‌النورین نقر شده است. (میرجعفری، همان، ص ۳۲۴)

گفتنی است بر خلاف تمامی سکه‌هایی که نام خلفا به ترتیب بر آن‌ها نقر شده، در این سکه نام حضرت علی علیه السلام در ابتدا آمده است. این سکه شیعی است و نام سه خلیفه را برای احترام آورده‌اند. از حسنعلی بن جهان‌شاه آخرین حکمران این خاندان (حک ۸۷۲-۸۷۴ هـ) یک سکه با نام دوازده امام باقی مانده است. روی سکه نام وی، پشت سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله و در حاشیه، نام دوازده امام: علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد ذکر شده است. (شاهد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰)

سکه حسنعلی بن جهان‌شاه قراقویونلو



آق‌قویونلوها (حک ۸۷۲-۹۰۸ هـ) با این‌که حکومتی رسماً سنی بودند، دو نوع سکه داشتند. سکه‌های مرسوم و عادی آنان که نام پادشاهان این سلسله به همراه القاب در روی سکه بود و در پشت سکه نام خلفای چارگانه نقر می‌شد، اما بر برخی از سکه‌ها، از ابتدای روی کار آمدن تا پایان این سلسله شعارهای شیعی دیده می‌شود. «بر بعضی از سکه‌های اوزون حسن شعار شیعی لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله نقش گردیده» (سرافراز، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹). نقر عبارات شیعی، علاوه بر ادامه سنت پس از ایلخانان، ممکن است به سبب روابط دوستانه افرادی مانند اوزون حسن و روابط خویشاوندی آنان با صفویان و ارادت آق‌قویونلوها به خاندان صفوی باشد. شیخ جنید و شیخ حیدر، از مردان طریقت صفوی، با هم رابطه خویشاوندی داشتند؛ جنید خواهر اوزون حسن و شیخ حیدر دختر وی را به همسری گرفتند. هم‌چنین سکه‌ای از الوند بیک (حک ۹۰۵-۹۰۶ هـ) آخرین پادشاه این سلسله که از شاه‌اسماعیل صفوی شکست خورد، باقی مانده است. روی سکه عبارت: سلطان الوند، پشت سکه: «سلطان الاعظم ابوالمظفر»، و در حاشیه پشت سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله وجود دارد. (شاهد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴) پس از انقراض آق‌قویونلوها، با روی کار آمدن صفویان تشیع مذهب رسمی شد و شعائر و اشعار شیعی افزایش یافت. از آن زمان، سکه کاملاً شیعی در محدوده جغرافیایی ایران حک گردید.

نتیجه

نشانه‌ها و شعارهای بسیاری بر سکه‌های باقی‌مانده دوران اسلامی وجود دارد که حاکی از گرایش‌های شیعی است. در حالی که منابع تاریخی، به گسترش تشیع در آن دوران‌ها توجهی ندارند، شعار «علی ولی‌الله» از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شعارهای شیعیان بوده است که بسیاری از سلسله‌های ایرانی خصوصاً در نواحی مازندران، آن را بر سکه‌های خود نقر کرده‌اند. از دوره ایلخانان، با توجه به فترتی که در امر خلافت به وجود آمد، آنان در سکه‌های خود به خلفای راشدین توجه نمودند که این عمل در اصل به جهت زدودن نام خلفای عباسی از سکه‌ها صورت گرفت. از دوره ارغون، با توجه به اختلافاتی که وی با اهل سنت پیدا کرد، به شیعیان توجه شد و شعارهای شیعی از جمله «علی ولی‌الله» در سکه‌ها نمودار گردید و از آنجایی که ایلخانان بر تمامی ایران حاکمیت داشتند، این رسمی بدیع و تازه بود و زمینه‌های قدرت‌گیری سیاسی و رسمیت یافتن تشیع در زمان سلطان محمد خدابنده را فراهم ساخت. از این پس، بسیاری از حکومت‌هایی که در ایران روی کار آمدند تا ظهور صفویان، سکه‌هایی با گرایش شیعی و سنی ضرب می‌کردند؛ حتی سکه‌هایی از امیر تیمور گورکانی با شعارهای شیعی باقی مانده که نشان‌دهنده توجه وی به شیعیان و رشد روزافزون تشیع است. از آنجا که سکه یکی از نشانه‌های رسمی حکومت‌ها بوده، درج شعارها، از گرایش فکری و مذهبی حاکمان حکایت می‌کند. بررسی سکه، نشان می‌دهد که شیعیان، سهم و نفوذ بسیاری در دوره‌های مختلف، در حاکمیت داشته‌اند.

فهرست منابع

۱. اسمیت، جان ماسون، خروج و عروج سربداران، یعقوب آرژند، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
۲. اشیپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، ج ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۳. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، ج ۶، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۴. -----، تاریخ ایران پس از اسلام، از صدر اسلام تا انقراض قاجار، تهران: نامک، ۱۳۶۷.
۵. -----، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران: نامک، ۱۳۷۶.
۶. بهرامی، اکرم، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا سقوط بغداد، تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۵۶.
۷. بویل، آ، جی، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۸. بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
۹. -----، تاریخ آل‌جلایر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
۱۰. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، به سعی کارل یان، چاپ انگلستان، ۱۳۵۸ / ۱۹۴۰.
۱۱. سرافراز، علی‌اکبر و آوزرمانی، فریدون، سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زندیه، ج ۵، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۱۲. شاهد، احمد، سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه، اسفراین: آستون، ۱۳۸۹.
۱۳. شمس اشراق، عبدالرزاق، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک، چاپ پویا، ۱۳۶۹.
۱۴. طباطبایی، سکه‌های ایلامی در دوره ایلخانی و گورکانی، نشریه شماره ۳ موزه آذربایجان شرقی، چاپ مؤسسه گراور و چاپ شعاع، تبریز: ۱۳۴۷.
۱۵. -----، سکه‌های متنوع از اباقان، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۶، تهران: سال نهم.
۱۶. -----، رسم‌الخط ایغوری و سیری در سکه‌شناسی، نشریه شماره ۶ موزه آذربایجان شرقی، تبریز: ۱۳۵۱.
۱۷. فرای، ریچارد، ن، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۱۸. میرجعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.

۱۹. نبی، ابوالفضل، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری «از سقوط ایلخانان تا تشکیل تیموریان»، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.

20. Lavoix, Henry, **Catalogue des monnaies Musalmanes de la bibliotheq nationale**, 1887.